



تأویل از دیدگاه حسن محمود کاتب با استناد به دیوان قائمیات

رضا حسنی^۱

چکیده

با توجه به اینکه دیوان قائمیات به تازگی انتشار یافته است و ما اطلاع چندانی از تاریخ و عقاید اسماعیلیه الموت نداریم، لذا هدف مشخص کردن تأویل در دیوان قائمیات است. یکی از مهم ترین مسائلی که اسماعیلیه به آن توجه ویژه ای داشته اند، مبحث تأویل قرآن بوده است. دیوان قائمیات که بیشتر اشعار آن سروده ی حسن محمود کاتب از سراینندگان اسماعیلی مذهب سده ی هفتم مربوط به روزگار نزاریان الموت است. وی در دیوان خویش از تأویل بهره جسته و بسیاری از مفاهیم اعتقادی اسماعیلیه را مورد تأویل قرار داده است و با توجه به اینکه بیشتر منابع و کتب اسماعیلیه زمان الموت از بین رفته است. لذا بررسی تأویل در قائمیات ضمن روشن شدن عقاید اسماعیلیه در آن دوران ما را با ابعاد دیگری از باورهای اسماعیلیه آشنا می سازد.

واژه های کلیدی: تأویل، قائمیات، اسماعیلیه، حسن محمود کاتب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. مهندس عمران Reza.hasani1354@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۴

اسماعیلیه گروهی از شیعیان هستند که معتقدند بعد از امام جعفر صادق (ع)، حضرت اسماعیل (ع) فرزند ارشد ایشان امام می‌باشد. اسماعیلیه حقایق نهفته در قرآن و احادیث و راه رسیدن به باطن را از طریق تأویل می‌دانستند و آن‌ها برای هر ظاهری معنایی باطنی قائل بودند. در این تحقیق یکی از آثار گرانبهای دوران الموت را مورد بررسی قرار خواهیم داد و بررسی خواهیم کرد آیا در دیوان قائمات تأویل به کار رفته است؟ و ما فرض می‌کنیم که تأویل در اشعار قائمات به کار رفته است. از آن جا که در جهان معاصر مسأله تأویل در متون مقدس به شکلی جدی مطرح شده است و یکی از شاخه‌های نقد ادبی با عنوان نقد هرمنوتیک هم تأویل گراست ضرورت دارد تا تأویل مد نظر حسن محمود کاتب شاعر و نویسنده اسماعیلی نزاری دوران الموت را بشناسیم.

در مورد تأویل در دیوان قائمات تاکنون پژوهشی اختصاصی به جز در مقدمه تحلیلی دیوان قائمات به صورت موجز به این موضوع پرداخته شده، انجام نشده است. و یکی از مشکلات در این تحقیق نبود تحقیق مستقل در این زمینه بود و منابع اصلی تحقیق دیوان قائمات می‌باشد که به تازگی انتشار یافته است و همچنین روضه التسلیم که کتابی است از همان دوران که کمک شایانی به شناخت مبانی اعتقادی اسماعیلیه در آن دوران نمود. تأویل به معنای به اول برگرداندن هر موضوع و مطلب است و دریافت معانی جدید و فهم و درک بهتر آن. از آنجایی که دیوان قائمات منبع ارزشمندی برای جماعت اسماعیلی از قرن هفتم است که به دلیل شرایط سیاسی حاکم در دوران متون به طور غالب راز آلود و در پرده‌ای از ابهام به جا مانده. دیوان قائمات از شاعر و داعی بزرگ دوران الموت می‌تواند راهگشای بسیاری از ابهامات تاریخی و مفاهیم و رموز نهفته در اشعار وی باشد که بسیاری از اصول اعتقادی و نکات تاریک تاریخی آن دوران را روشن سازد

حسن محمود کاتب

شغل-القاب-مذهب-نامها

از وی جز در محافل اسماعیلی هیچ گونه شناختی نسبت به او در کتب ادبی و تذکره‌ها دیده نمی‌شود فقط در کتاب زبده التواریخ کاشانی قصائدی از این شاعر ذکر شده است و همچنین در کتاب جامع التواریخ بخش اسماعیلیان رشید الدین فضل الله از تاریخ رییس حسن صلاح منشی اقتباس کرده است. و در تذکره هفت اقلیم احمد رازی نیز اشعاری از وی نقل شده است. وی از سرایندگان اسماعیلی مذهب سده‌ی هفتم هجری است. در مقدمه مصحح دیوان قائمات این طور معرفی شده است:

«حسن محمود کاتب ملقب به جلال الدین که گاه با نام‌هایی چون سیدالدعات صلاح الدوله والدین منشی جهان مبدع النثر والنظم حسن محمود، حسن صلاح، حسن صلاح منشی و یا حسن صلاح بیرجندی از او یاد می‌شود». وی به شغل کتابت و منشی‌گری در دستگاه ناصرالدین محتشم اشتغال داشته است. از بررسی سخن قصاید دیوان بر می‌آید که سراینده‌ی آن مردی دانشمند، ادیبی توانا و مسلط بر

همه‌ی فنون و صنایع ادبی و عروضی بوده است. و برای فرهنگ نویسان یک منبع جدید است». (کاتب

۱۳۹۰: ۱۰۶)

کتاب‌ها

دیوان اشعار وی قائمیات نام دارد که به تازگی کشف و چاپ شده است. این دیوان دارای ارزش ادبی و تاریخی در عصر تاخت و تاز مغولان و در نیمه‌ی قرن هفتم سروده شده در مقطعی از تاریخ اسلام و اسماعیلیه که بزرگترین حادثه مذهبی تاریخ اسماعیلیه یعنی عید قیامت اتفاق افتاده و بیشتر اشعار آتشین شاعر در پاس داشت ارزش‌های این واقعه بوده است. دیوان قائمیات هفت جلد بوده است که تنها دو جلد از آن باقی مانده است و به دیوان کبیر قائمیات مشهور بوده است. این اثر در آن نکات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی ارزشمندی به چشم می‌خورد. در این دیوان ۱۵۷ قطعه و قصیده مشتمل بر ۴۷۸۴ بیت، از این تعداد ۸۵ قصیده بدون تخلص و ۵۲ قصیده دارای تخلص حسن و ۶ تا ۷ قصیده دارای تخلص قائمی است. سراینده‌ی تمام اشعار این دیوان حسن محمود کاتب نیست بلکه مجموعه‌ای از اشعار شعرای دوران الموت است که در یک مجموعه گردآوری شده است. تخلص کلمه «قائمی» در قصاید یک نکته را نمایان می‌سازد که در آن دوره گویا این کلمه جایگزین نام اسماعیلی شده و شاعران قصاید خویش را به این نام اختصاص داده‌اند که مجموعه این قصاید در هفت جلد تنظیم شده که پنج جلد آن از گزند روزگار مصون نمانده و تنها دو جلد این دیوان تا این زمان رسیده‌اند که آن‌ها از سال ۶۳۱ هـ الی ۶۴۵ هـ شامل می‌شود. بر این اساس استنتاج می‌گردد که قصاید دیوان قائمیات ممکن از تعدادی از شاعران بوده باشد که شعر خویش را به نام قائمی سروده‌اند. قصاید دیوان از نظر محتوا و مضمون کلاً در دایره دعوت قائم القیامه می‌چرخد. این قصاید به امام وقت که امام دور قائم بوده، سروده شده‌اند.

این دیوان در سال ۱۳۹۰ در تهران توسط مرکز پژوهشی میراث مکتوب و با همکاری موسسه مطالعات اسماعیلی لندن که مصصح آن سید جلال حسینی بدخشانی و با مقدمه مبسوط محمد رضا شفیعی کدکنی منتشر شده است. در یک نگاه کلی شعرهای دیوان ارزش ادبی و هنری قابل ملاحظه‌ای دارد و دارای اهمیت خاص و ویژه‌ای است: ۱- دعوت قیامت ۲: ارزش تاریخی و حمله تاتار ۳: ایثارهای فدائیان در دیوان شاعر نیز به پند و اندرز و مسائل اخلاقی پرداخته، وی دارای رساله‌ای منثور به نام هفت باب است که به غلط به دلیل تشابه اسمی او با حسن صباح به هفت باب سیدنا مشهور گردیده است و به تازگی توسط دکتر سید جلال حسینی بدخشانی به انگلیسی منتشر شده است. وی همچنین دارای یک کتاب تاریخ بوده که سرنوشت آن نامعلوم است و فقط رشید الدین فضل‌الله در کتاب جامع التواریخ چند صفحه از تاریخ اسماعیلیه را که توسط حسن محمود کاتب نوشته شده بود را آورده است.

ناصرالدین محتشم حکمران قهستان کسی است که خواجه نصیر اخلاق ناصری را برای وی نوشته و به احترام وی آن را اخلاق ناصری نام نهاده است و حسن محمود با وی معاشرت داشته و از ایشان تأثیر پذیرفته است. از دیگر دانشمندانی که حسن محمود از وی بهره برده و با وی یار و همکار در قلاع قهستان و الموت بوده است خواجه نصیر الدین طوسی بوده است. خواجه مدت سی سال در قلاع اسماعیلیه به سر برده است و بیشتر آثار خویش را در همان زمان تألیف کرده است. آنچه را که خواجه در باب عقاید اسماعیلیه به نثر گفته حسن محمود آن را به نظم آورده است.

به هنگام اقامت در الموت و میمون دژ، حسن به جمع آوری منشآت و امالی خواجه درباره‌ی مبانی اعتقادی اسماعیلیه پرداخته و مجموعه‌ای که خواجه آن را روضه‌ی تسلیم یا تصورات نامیده از نظر خواجه گذرانیده و به امضای وی منتشر کرده است دوستی نزدیک و دراز مدت حسن با خواجه و حضور او در مجالس درس و بحث باعث شده بود که حسن نکات مورد بحث بحث در روضه‌ی تسلیم، سیر و سلوک، آغاز و انجام، تولا و تبرّا و احتمالاً پاره‌ای دیگر از رسائل خواجه در باره‌ی مذهب اسماعیلی را - که به مرور زمان از بین رفته‌اند به نظم در آورد.

تولد و وفات - محل تولد

حسن به احتمال زیاد در قزوین و یا حوالی آن زاده شده و در عنفوان جوانی به مذهب اسماعیلیه گرویده و یا به تعبیر خودش قائمی شده است. تولد او در اواخر نیمه‌ی اول قرن ششم هجری روی داده باشد زیرا هنگام اشاره به ابلاغ دعوت قیامت به وسیله‌ی حسن علی ذکره السلام (وفات: ۱۱۶۶/۵۶۱) می‌گوید (دیوان قائمیات، مقدمه صفحه‌ی ۱۰۷) "و این همه بشارت ها در خداوند علی ذکره السلام بدیدیم". از آنجا که فعل دیدن در این عبارت به صیغه‌ی جمع ذکر شده می‌توان چنین حدس زد که نویسنده در اینجا استنادش به نگرشی عام است و احتمالاً در آن زمان در سنین کودکی بوده است. و در قصیده‌ی شماره‌ی ۷۵ که به تصریح استاد مدرس رضوی می‌باید در سال ۱۱۹۱ م / ۵۸۷ روی داده باشد و به احتمال زیاد شاعر می‌بایست در آن زمان بیست ساله بوده باشد. از سال وفات شاعر اطلاعی در دست نداریم.

تاویل چیست؟

مفهوم تاویل و ریشه‌ی آن

تأویل در فرهنگ معین به معنی بازگردانیدن، تفسیر کردن، بیان کردن، شرح و بیان کلمه یا کلام به طوری که غیر از ظاهر آن باشد. واژه تأویل از ریشه "اول" در باب تفعیل است. در تأویل مقصود گوینده مهم‌تر از معنای ظاهر به معنایی دورتر اشاره دارد. ناصر خسرو در زاد المسافر تأویل را این گونه تعریف می‌کند: تأویل چیزی نیست مگر باز بردن معنی هر چیزی را به آن چیزی که اول آن بوده است. (ناصر خسرو، زاد المسافر، ۱۳۹۳، صفحه‌ی ۴۱۲ قول بیست و پنجم، نشر میراث مکتوب و موسسه‌ی مطالعات اسماعیلی لندن)

تأویل در قرآن

دانشمندان علوم قرآنی و پژوهشگران این حوزه از گذشته تا حال در پی ارائه تعریف و تحلیلی از تأویل بوده‌اند بعضی تأویل را مترادف تفسیر، عده‌ای تأویل را خلاف ظاهر آیات، عده‌ای آن را اصل و حقیقت و کنه آیات تعریف کرده‌اند. در دنیای اسلام تأویل حوزه‌های گوناگونی دارد از جمله تأویل: فلسفی، عقلی، باطنی، کلامی. به طور کلی می‌توان دو کاربرد کلی برای تأویل ارائه کنیم:

الف) تأویل در برابر تنزیل.

ب) تأویل ظواهر وقتی خلاف عقل است و یا تأویل ظواهر تفسیر

تأویل در مقابل تنزیل: تنزیل معنای ظاهری کلام وحی است و تأویل معنای ماورای معنای ظاهری است و به معنای باطن توجه دارد تأویل باطنی به ظاهر کلام متکی نیست و از ظاهر آیات و الفاظ به معنای باطن آن می‌رسیم. و ظاهر و باطن به هم وابسته‌اند.

ب) در بعضی از آیات معنی ظاهری درست نمی‌باشد و می‌بایست تأویل انجام شود مثلاً در آیه‌ی ان الذین یبایعونک ... واژه ید به معنی ظاهری نمی‌باشد و یا در سوره‌ی طه آیه ۲۱ که خداوند می‌فرماید آدم گناه کرد نسبت به پروردگار و گمراه شد این گمراه شد باید تأویل گردد. و در متشابهات معنای آیات فرعی را به آیات اصلی ربط دادن است. و یا بعضی آیات و احادیث که با عقل ناسازگار است باید این موارد را به گونه‌ای مطرح و ارائه کرد که با عقل و مبانی عقلی همخوان باشد این معانی سازگار و همسو با عقل را تأویل می‌نامیم. به عنوان مثال اگر بهشت و نعمت‌های آن را بر معنای ظاهر در نظر بگیریم افراد به همین دنیا دل بسته و توجهی به آخرت نمی‌کنند پس باید بهشت و نعمت‌های آن را تأویل کنیم.

اسماعیلیه و تأویل

یکی از مهم‌ترین مسائلی که اسماعیلیه به آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند مبحث تأویل قرآن بوده است و یکی از نام‌های دیگر اسماعیلیه باطنیه می‌باشد. به طور کلی دانشمندان و متفکران اسماعیلی در تأویل همسو و هم عقیده هستند و آیات و احکام شرعی را رمز و مثل می‌دانستند و پایه‌ها و مبانی تأویلیشان از اصول محکمی برخوردار است. از منظر گاه دانشمندان اسماعیلی تأویل دو معنی دارد لغوی و اصطلاحی. "در اندیشه‌ی شیعه و اعتقادات شیعی، نقش معنوی و ماورائی و بسیار

مهم امام و توضیح و تفسیر معنای باطنی کلام منزل، که به وسیله‌ی پیامبر آورده شده است تأویل خوانده می‌شود. "چنانکه می‌دانیم اندیشه‌ی تأویل بر عقیده‌ی شیعه به وجود دو بعد ظاهر و باطن در همه‌ی کتب و تعالیم آسمانی تأکید می‌گذارد. باطن‌گرایی شیعی کامل‌ترین شکل خویش را در مذهب اسماعیلیه پیدا کرد. مقصود از تأویل باطنی، که اسماعیلیه به طور همه‌جانبه از آن بهره می‌جستند، این بود که از روی باطن چنان پرده برداشته شود که حقیقت معنوی واقعی آن آشکار گردد. مقصود و هدف تأویل آن طور که در نوشته‌های اسماعیلی عنوان می‌شود، رسیدن به فهم "ابتدائی" کتاب مقدس است با گذر از معنای ظاهری و لفظی متن. البته نه اینکه معنای کلی قرائت ظاهری محدود شود یا اینکه اعتبارش کاملاً نفی گردد، بلکه اذعان می‌شود که معنای نهایی و تمامیت معنای هر متنی فقط با به کار بردن تأویل قابل درک است. تفکر اسماعیلی در پی آن است که معنای دین و وحی را چنان بیورانند که در عین قبول آنچه محسوس و ظاهر است، در ریشه‌ها نیز رسوخ کند تا راه به آنچه پنهان یا باطن است بیابد و آن را آشکار سازد (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۰۴؛ نصر، ۱۳۸۹) از نظرگاه دانشمندان اسماعیلی همه‌ی آیات قرآن دارای تأویل هستند و برای هر امری از جمله قرآن ظاهر و باطنی قائل هستند و به همین علت به آن‌ها باطنیه می‌گویند و بر این عقیده هستند که باطن قرآن دارای بطونی است. بیشتر دانشمندان و بزرگان اسماعیلیه از تأویل در آثار خویش استفاده کرده‌اند از جمله ناصر خسرو، حمیدالدین کرمانی، قاضی نعمان، ابو حاتم رازی، ابو یعقوب سجستانی و... تأویل اسماعیلی به استفاده از عقل انسانی در کنار اتصال به رهنمودهای امام زمان و امام شناسی تأکید دارد یعنی عقل هدایت یافته یا عقلی که از نور و هدایت امام بهره مند شده باشد.

مثلث شریعت و طریقت و حقیقت تصوف در کنار مثلث شریعت و طریقت و "قیامت" مذهب اسماعیلی دعوت الموت، چنان به هم نزدیک می‌شود که گاه مرزی علمی میان آن وجود ندارد. در دور قیامت، تأویل بالاترین قله خود را می‌پیماید و اگر فراخی میدان تأویل، درین دوره به این حد از گسترش نرسیده بود، شاید امکان عرضه کردن اندیشه‌ی ظهور دعوت قیامت، از نظر تاریخی و اجتماعی، امری محال بود. گرایش به تأویل که از آغاز دعوت اسماعیلی، محور اصلی آموزش بود درین لحظه‌ی تاریخی به نقطه‌ی اوج خود رسید. و با پر پایی قیامت این نکته را به اسماعیلیان گوش زد کردند که امام محور وجود همه چیز است. در این تحقیق تعداد کمی از ابیات که تأویل مفاهیم اعتقادی اسماعیلیه را شاعر بیان کرده بود به آن پرداخته شد که بررسی همه‌ی ابیات کاری بزرگ و خارج از تخصص و دانش اندک نگارنده می‌باشد و ان شاءالله دانش پژوهانی این مهم را انجام خواهند داد.

مفاهیم تأویلی در قائمیات

در ذیل بعضی از مفاهیمی که در دیوان قائمیات مورد تأویل قرار گرفته است را بررسی می‌کنیم این مفاهیم در دیوان قائمیات بر اساس اعتقادات اسماعیلی تعبیر شده و بین این اصطلاحات و مفاهیم عرفانی مرزی وجود دارد در اسماعیلیه همه چیز حول محور امام می‌چرخد و در صوفیه از پیر تبعیت می‌کنند و از دیدگاه اسماعیلیه در هر زمان فقط یک امام وجود دارد ولی

درصوفیه در یک زمان می‌توان به چند پیر ارادت ورزید و در اینجا از بسط مفاهیم ظاهری بهشت، در باب درب‌های بهشت و دوزخ، معرفت امام، قیاس تنزیل با تأویل، امام، قبله و دنیا و عقبی به دلیل طولانی شدن بحث خودداری و فقط به معانی به کار رفته در دیوان قائمیات می‌پردازیم.

۱- بهشت:

وی بهشت و جهنم را به معنای ظاهری آن نمی‌داند، بهشت را شناخت و بندگی امام و یا دانایی می‌داند و جهنم را عدم شناخت امام و جهل می‌داند در قصیده شماره‌ی ۸۰ از ابیات ۲۳۶۴ تا ۲۳۶۷ این گونه می‌فرماید: (قائمیات ۱۳۹۰، ابیات ۲۳۶۴ تا ۲۳۶۷)

هر که او را بنده باشد رسته باشد از سقر	وانکه او را منکر آید کافر است واهل نار
جهد کن در دار دنیا تا به دست آید تو را	جنت الفردوس باقی در این دارالقرار
چون قیامت گشت ظاهر بایدت بشناختن	هم بهشت و دوزخت آنجا از روی اعتبار
علم دانایی بهشت و جهل نادانی سقر	شد بهشت هشت و دوزخ هفت باشد در شمار

۲- درباب درب‌های دوزخ:

خداوند در قرآن جهنم را همانند بهشت دارای درب می‌داند و برای آن ۷ درب معرفی می‌کند (حجر آیه ۴۴). وی ضمن بر شمردن درب‌های دوزخ به توضیح هر کدام از درب‌ها می‌پردازد و می‌گوید از هر در هر نوع حیوانی می‌آید و در آخر نتیجه می‌گیرد که صفات حیوانی در انسان اثر دارد و بعضی انسان‌ها همچون موش و گوسفند و خرس و... هستند. (قائمیات ۱۳۹۰)

هست از انواع حیوانات در مردم اثر چشم بگشا تا بینی‌شان به هم اندر قطار
آن که دزد است همچو موش و آن حریصت خوک دان هر که ناحق می‌خورد چون شیر و گرگ نابکار
۳- معرفت امام:

در اسماعیلیه بهترین راه رسیدن به خدا از طریق شناخت امام می‌باشد. وی معرفت و شناخت امام را عین بهشت جاودانی می‌داند.

معرفت عین بهشت جاودانی آمده است چون محبت یار او شد کار گردد چون نگار (قائمیات ۲۲۷۱، ۱۳۹۰)

چون امام وقت بشناختی رستی زغم گرنرداری هیچ دیگر دل در اندیشه مدار
و در ابیاتی دیگر قصیده‌ی ۸ ابیات ۳۳۹-۳۴۰ حتی رعایت احکام شریعت بدون شناخت امام را مفید نمی‌داند. (قائمیات ۱۳۹۰)

نماز و روزه و قرآن و شرع و دین بی تو مفید نیست اگر چند هست مستوفا

تو را شناخت ندانند و بی شناس تو نیست

امید خیر نه در آخرت نه در دنیا

۴- قیاس تنزیل با تأویل

تنزیل به معنی فرو فرستادن است و معنی تأویل در بالا بیان شد و واژه تنزیل در برابر تأویل آمده و در معنای ظاهر و باطن بکار رفته است.

در مقایسه تنزیل و تأویل، تنزیل را به شوره زاری تشبیه می‌کند که در عمق آن آب روان است. (قائمیات ۱۳۹۰، ۱۳۸۷)

قیاس ظاهر تنزیل با تأویل در عالم
چو شورایی ست کندر تحت او ماء معین باشد
شریعت چون یکی مادت که تنزیلش بود صورت
قیامت چون یکی خاتم که تأویلش نگین باشد

۵- امام

سنگ بنای تشیع بر محور امام است و در معنای لغوی پیش رو و رهبر است و از دیدگاه اسماعیلیه وجه الله و انسان کامل است. وی امام را رکن اصلی عالم هستی و همه کاره‌ی عالم هستی و تمام جهان را به وجود او برپا می‌داند و می‌گوید که امام دارای دو وجه است یک وجه خلقی و یک وجه امری. (قائمیات ۲۰۲، ۱۳۹۰ تا ۲۰۳)

به شکل و صورتش مانند خلق از بهر آن آمد
که تا این عالم خلقی وجودی یافت مستوفا

وگر نه از ره معنی و عین راستی هست او
زهر صورت که عقل ما صفات آن کند بالا (۲۰۲-۲۰۳)

آن قائم کلی که جهان را به حقیقت
فیض نظر او سبب کون و مکان است (قائمیات ۸۷۲، ۱۳۹۰)

همو اول، همو آخر، که بی او اول و آخر
نماند کلّ و جزو هر دو عالم یک نفس بر جا

و در جایی دیگر حتی کلمه‌ی امام را با الله یکی می‌داند و می‌گوید وقتی احکام شریعت به سر آید و دور قیامت میشود
الفاظ به کنار می‌روند.

بلی کوس قیامت چون فرو کوبند در عالم
شکوه نور اشراق ظهورش در زمین باشد

امام و قائم و الله کاندرا لفظ می‌گویی
در اکوان شریعت هر سه را نام اینچنین باشد

ولیکن در قیامت گر سه گویی هر یکی آنجا
به حکم راستی این یک همان آن یک همین باشد

۶- دنیا و عقبی:

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم دنیا و عقبی در لغت نامه‌ی دهخدا به معنی پاداش کار آمده است و سرای آخرت هم گفته شده است.

وی می‌گوید که دنیا زمین و آسمان نمی‌باشد و دنیا در مقابل آخرت همچون طفل در مقابل مرد بالغ است:

تو گر پرسی که دنیا چیست و آنگه در جواب تو کسی گوید زمین و آسمان است آن مکن باور

تو گر پرسی که دنیا چیست و آنگه در جواب تو
کسی گوید زمین و آسمان است آن مکن باور

وجود دنیی و عقبی ز راه بینش و دانش
چو طفل و مرد بالغ دان و نیک این باب را بنگر

وجود طفل آن باشد که چون صورت در آئینه
ببیند داند آن کو هست عکس آدمی پیکر



تو تا در حالتی باشی که در وی باز شناسی کمال از نقص و صدق از کذب و علم از جهل و خیر از شر
تو گر در حالتی باشی که اندر وی به چشم دل ببینی کل اشیا را کماهی صادر از مصدر
تویی در عالم عقبی مقیم ذروه ی اعلی وگر خود همچنان باشی نشسته سال و ماه ایدر
۷-قبله:

در فرهنگ اسلامی جایی که مسلمانان به سوی آن نماز می خوانند قبله گفته می شود.

او امام را قبله‌ی مومنان و ارباب عقل می داند

قائم اعظم که از راه رضا و رحمتش اهل ایمان را بهشت جاودان آورده اند

قبله ی ارباب عقل از کبریای انس و جان رخ سوی محراب رأیش انس و جان آورده اند

نتیجه گیری

"اگر دیوان قائمیات را از دید مفاهیم و مصطلحات رایج در متون ادب صوفیه مورد نظر قرار دهیم می بینیم که گاه یک شعر دیوان قائمیات تمام ویژگی های دیگر شعر عرفانی را داراست و باید مرزی بین شعر عرفانی و اسماعیلی قائل شویم شعر عرفانی قرن ششم و هفتم بر محور پیر حرکت می کند و مخاطبانش اصحاب خانقاه اند و در جهت هدف ارباب خانقاه که زهد و اعراض از متاع دنیا است سخن می گوید و "پیر" هر کسی است که از دست پیر دیگری "خرقه" گرفته باشد و به همین دلیل می توان در یک شهر و در یک زمان به چندین پیر ارادت و رزید و بیعت کرد، اما محور شعر اسماعیلی "امام" است و امام، کسی است که در تمام روی زمین یک نفر بیشتر نیست و از منظر مخاطبان نیز شعر اسماعیلی در مرحله ی نخست، "جماعت" پیرو دعوت اسماعیلی را در نظر دارد." (دیوان قائمیات، مقدمه) در شعر عرفانی ترک دنیا و پرهیز از هرگونه اقدام سیاسی است، حال آنکه شعر اسماعیلی ضمن دعوت به امام وقت جماعت را به استفاده از مواهب دنیا فرا می خواند.

مثلث شریعت و طریقت و حقیقت تصوف در کنار مثلث شریعت و طریقت و "قیامت" مذهب اسماعیلی دعوت الموت، چنان به هم نزدیک می شود که گاه مرزی علمی میان آن وجود ندارد. در دور قیامت، تأویل بالاترین قلّه خود را می پیماید و اگر فراخی میدان تأویل، درین دوره به این حدّ از گسترش نرسیده بود، شاید امکان عرضه کردن اندیشه ی ظهور دعوت قیامت، از نظر تاریخی و اجتماعی، امری محال بود. گرایش به تأویل که از آغاز دعوت اسماعیلی، محور اصلی آموزش بود درین لحظه ی تاریخی به نقطه ی اوج خود رسید. و با پر پای قیامت این نکته را به اسماعیلیان گوش زد کردند که امام محور وجود همه چیز است. در این تحقیق تعداد کمی از ابیات که تأویل مفاهیم اعتقادی اسماعیلیه را شاعر بیان کرده بود به آن پرداخته شد که بررسی همه ی ابیات کاری بزرگ و خارج از تخصص و دانش اندک نگارنده می باشد و ان شالله دانش پژوهانی این مهم را انجام خواهند داد.

منابع

- اسد پور، رضا (پاییز ۱۳۹۱)، «خطبه البیان به روایت هفت باب سیدنا و تاثیر آن بر امام شناسی اسماعیلیه»، فصلنامه تخصصی خدانامه، سال اول شماره اول.
- بجنوردی، سید محمد کاظم (۱۳۶۷)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد اول، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- جوینی، عظاملک (۱۳۹۱)، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، تهران، نگاه.
- کاتب، حسن محمود (۱۳۹۰)، دیوان قائمیات، تصحیح و مقدمه ی انگلیسی سید جلال حسینی بدخشانی، مقدمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- کاتب، حسن محمود (۱۳۵۲)، هفت باب سیدنا، گردآورنده ایوانف، بمبئی.
- خواجه نصیر الدین طوسی (۱۳۹۳)، روضه ی تسلیم (تصوّرات)، تصحیح و پیشگفتار سید جلال حسینی بدخشانی، مقدمه هرمان لندولت، تهران، میراث مکتوب.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه الکترونیکی، تأویل.
- دفتری فرهاد (۱۳۷۵)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه ی فریدون بدره ای، تهران، فرزانه روز.
- رشید الدین فضل الله (۱۳۸۷)، جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)، تهران، میراث مکتوب.
- رازی امین احمد (۱۳۴۰)، تذکره هفت اقلیم، تصحیح جواد فاضل، تهران.
- روحانی رضا (۱۳۸۱)، «قرآن و تأویل از دیدگاه ناصر خسرو»، فصل نامه دانشکده الهیات و معارف مشهد.
- طباطبایی محمد حسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، موسوی محمد باقر مترجم، قم.
- فرقانی محمد فاروق (۱۳۸۱)، تاریخ اسماعیلیان قهستان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فرخ محمود (۱۳۳۷)، مجله یغما-قصیده ی تاریخی، شماره ۱۱ سال صفحات ۱۱۳ تا ۱۱۵ در باره حسن محمود کاتب.
- کاشانی ابوالقاسم (۱۳۶۶)، زبده التواریخ، دانش پژوه محمد تقی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نانجی عظیم (۱۳۸۹)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه زیر نظر جمعی از مترجمین، تهران، موسسه انتشارات حکمت، چاپ سوم.
- ناصر خسرو (۱۳۹۳)، زادالمسافر، تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب و موسسه مطالعات اسماعیلی.
- ناصر خسرو (۱۳۸۴)، وجه دین، تهران، اساطیر.
- محمدی محمد علی (تابستان ۱۳۷۷)، «دیدگاه ناصر خسرو در باب تأویل»، ایران شناخت، ش ۹.
- یاحقی، محمد جعفر (بهار ۱۳۹۱)، «غنیمتی باز یافته از ادبیات اسماعیلی»، مجله پاژ، ش ۹.